

## تعریف فلسفه

### از نظر فیلسوف ابن سینای بلخی

درست ترین معیار برای شناختن ارزش حقیقی اشخاص بزرگ این است که ببینیم وجود آنان در پیشرفت فرهنگ چقدر مؤثر بوده، چه خدمتی در آرایش و پیرایش کاخ ثقافت انجام داده اند. پس هر کس که سهمش بیشتر باشد، مقامش شامختر خواهد بود. بنابراین، بجزئی توان گفت که در میان پایه گذاران فرهنگ بشر، ابن سینا در صف نخستین قرار دارد و این گفته، قوی است که جعلی برانند. حکیم شهیر افغانستان و نابغه نامور شرق ابن سینا، در میدان پهناور فرهنگ گوی سبقت از اسلاف بود و کعبه اختلاف گردید. پس از وی، حکمای اسلام به آشیانه فکر او پناه برده، در حریم دانش معنکف شدند و در مکتب حقائق او به آموزش حکمت پرداختند. جمعی بدفاع از افکار وی برخاسته، از مدحش باز نه ایستادند و برخی در نقد آرایش رنج برده، از قدحش دریغ نکردند و معذرت مخالف و موافق، شرقی و غربی به استادی و تبحر وی در حکمت و دانش اعتراف دارند و اطلاع وسیعش در دانشهای گوناگون مورد تصدیق و اذعان همگان است. اینک از باب مشت نمونه خروار به گفتاور چهارتن از دانشمندان اشارت میکنیم:

محمد بن عبدالکریم شهرستانی در کتاب معروف خود فلاسفه اسلام را یک یک نام میبرد چون به ابن سینا میرسد او را (علامة القوم) میخواند و روش ویرا دقیق تر و نظرش را در حقائق حکمت ژرفتر میداند (۱)، محقق طوسی نظر ثاقب و حدس صائب فیلسوف ما را میستاید (۲) صدرالدین قونوی عارف معروف، ابن سینا را به لقب استاد و پیشوای اهل نظر و استدلال یاد کرده است (۳) و به قول برتراند رسل در (تاریخ فلسفه غرب) «ابن سینا از قرن دوازدهم تا هفدهم بحیث راهنمای طب در اروپا مورد استفاده بود» [۴] آری، فیلسوف مامالیان در از

(۱) الملل والنحل ص ۵ ج ۲ چ مطبعة عنانية (۲) شرح اشارات ص ۲ چ تهران

(۳) اعجاز البیان در تفسیر القرآن ص ۲۲ چ حیدرآباد

در شرق و غرب استاد مسلم فلسفه و طب بشمار میرفت، آنسان که در انجام حور فلسفه بود در اینجا سرگز طب شد. و تاکنون سیادت خویش را در جهان دانش از دست نداده است.

مقام برجسته ابن سینا در میان دانشمندان جهان و بحر وی در فلسفه، نگارندهٔ قانون این سطور را در سلک ریزه خواران خوان دانش وی در آورد و او را به جستجو در این راه برانگیخت از یزید و از دیرباز درمان درد نادانی خود را در «شفا» میجوید و «دانشنامه» را مایهٔ دانش میداند و در فهم رموز حکمت به «اشارات» بسنده میکند و در «تنبیها» متنبه میشود که هنوز در غرقاب «وهم» دست و پا میزند چون از رسیدن در عمق بحر ژرف اندیشهٔ او عاجز میسپاید خویش را بساحل «نجات» نزدیک میکند و از خداوند بزرگت همی خواهد که او را در این راه دشوار یاری فرماید و فهم غوامض افکار حکیم را بروی آسان گرداند.

باری، پژوهش در آثار فیلسوف، این هیچ میدان را برآ نداشت که بقدر توان خود اندیشه‌های حکیمانهٔ او را از کتبش ناآلجا که در دست اوست بیرون آورد، اندک اندک دسترس استنادات هموطنانش قرار دهد زیرا حفظ آثار فیاضان بر ما واجب است اما انتشار و ترویجش از آن واجبتر، صواب چنان دید که به بحث خود را از سر آغاز فلسفه حکیم آغاز کند از یزید و مور دگفتگوی مادر این مقاتل تعریف فلسفه است.

بنابگفتهٔ دانی یونان از سطو نخستین عاملیکه انسان را به تفلسف برانگیخت «دشت» بود زیرا وقتی که آدمی پا بر صهٔ هستی گذاشت خود را در جهانی پهناور با فک؛ نگاهی بخوبش و جهان کرد عظمت جهان را گواه راستین بر کوچکی خویش دانست، ابرو بادومه و خورشید و فلک را در کار و سرگردان چون پرکار اندیشید نگین آسما خویشتر را در میان حلقهٔ تنگ بیماری و مرگ گرفتار دید؛ غرائب زمین و عجائب آسمان و حوادث گوناگون در او دهش و تعجب ایجاد کرد و از خود پرسید: اینها چیست؟ از کجا آمده اند؟ و یکجا خواهند رفت؟ از قعر گل میاه تا اوج زحل همه در نظرش پرسش و معما نمود. پس نیروی نظر، استقرار و استنتاج او را به فهم رموز هستی برانگیخت و بر آن شد که بدین پرسشها پاسخ گوید و از راه حکمت راز معمای جهان را بکشد و مشکلا



راه بر همین یقینی بحقائق موجودات (۹) از بنبرو در تعریف فلسفه گوید : « فلسفه عبارت است از علم به موجودات آنسان که هستند و ی معتقد است که تعریف مذکور کاملاً مطابق با موضوع فلسفه است و بر ذات و حقیقت معرف دلائل دارد چه از استقراء جزئیات فلسفه میتوان دریافت که موضوعات و مواد علوم فلسفی منحصر است به الهیات ، طبیعیات ، منطقیات ، ریاضیات و سیاست استنباط و استخراج موضوعات مذکور بعهد فلسفه است از بنبرو هیچیک از موجودات جهان نیست جز آنکه فلسفه را در آن مدخلیتی و بحثی است (۱۰) و حکیم کسی است که از حقائق موجودات بحث کند و جواهر و اعراض را بشناسد و بقدر توان خویش در این راه بکوشد (۱۱) :

در نیمه دوم قرن چهارم هجری چند تن از دانشمندان جمعیتی تشکیل کردند و عنوان اخوان الصفا و خلان الوفا را برای خویش برگزیدند. رسائلی که از آنان بجای مانده شاهد کوشش های ایشان در میدان دانش فلسفه است (۱۲). رسائل اخوان الصفا از بدو تالیف مورد توجه دانشمندان قرار گرفت و فیلسوف ها ابن سینا در آغاز جوانی بر رسائل مذکور نظر داشت چنانکه بیهقی گوید : « ... چون بو علی ده ساله شد مطالبی از اصول ادب را بخاطر سپرد پدرش رسائل اخوان را مطالعه میکرد و به علی نیز گاهگاهی رسائل مذکور را مورد تأمل قرار میداده (۱۳) . ( باقیدارد )

۹۱۵ « فارابی : رساله تحصیل العبادة ص ۴۰ ج چهارم آبا د دکن .

۱۰ « مجموعه فلسفه فارابی : کتاب الجمع بین رأین الحکیمین ص ۲-۳ ج مصر .

۱۱ « ایضاً : رساله المسائل الفلسفية والاجوبة عنها ص ۱۰۳ ج مصر .

(۱۲) جمعیت مذکور در این رسائل از تمام علوم فلسفی که در آن عصر رایج و معمول بود

بحث کرده اند و بگمانه مقصد آنان در تالیف رسائل مذکور این بود که در میان فلسفه یونان و شریعت اسلام وحدتی برقرار کنند و این دورا با هم آشتی دهند (ترجمه عربی دائرة المعارف اسلام : مقالات اخوان الصفا ج مصر) و معتقد بود ند که شریعت اسلام بنا بر آنها آلوده شده ، با کمرائیهها در آمیخته است و تنها میتوان آنرا از راه فلسفه شستشو و تطهیر کرد زیرا فلسفه شامل حکمت اعتقادی و مصلحت اجتهادی است و هرگاه فلسفه یونان و شریعت اسلام با یکدیگر در آمیزد و نظام یابد کمال حاصل آید (فقطی : اخبار الحکما ص ۵۸ - ۶۳ ج مصر .)

۱۳ « تنه صوان الحکمة ص ۳۹ - ۴۰ ج لاهور